



سهم تعاون در افزایش اشتغال و توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور

محمدرولی کیانمهر

از امور آراء خود رابسه واحدهای اقتصادی، خدماتی دیکته می نماید و اقتصاد جامعه را به صورت یک اقتصاد ارشادی کنترل شده در آورده است. برخوردی این چنین از طرف دولت در امور اقتصادی، توسعه هزینه های عمومی و آثاری که این هزینه ها از خود به جای می گذارند را در پی دارد. تجربه چند دهه اخیر بسیاری از کشورها نشان می دهد که تمرکز واحدهای اقتصادی خدماتی در دست دولت و بهره برداری از آنها به شیوه معمول رواج بیش از حد بوروکراسی را به دنبال داشته است. به عبارت دیگر مزایای نسبی فعالیتهای بخش خصوصی تا حدودی

بخش تعاونی الگوی نوینی از فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی است که با به کارگیری بخشی از امکانات و ظرفیتهای اقتصادی جامعه، گروهی از مردم را در منافع حاصل از کارشان بهره مند ساخته و نسل نوینی از مردم متوسط الحال را از مواهب مالکیت مشروع برخوردار می سازد که به ارزش کار بیش از جاذبه ثروت اهمیت داده و به دور از گرایش های افراطی به سود باد آورده، دیدگاهی منطقی از منافع مالی خود و نقش آن در تولید ارائه می نماید و امکانات مالی کم و بیش خود را به طرق گوناگون به عرصه تولید اختصاص داده و به فعالیتهای اقتصادی فاقد منشا و اثر نمی پردازد. در عصر دولت اقتصاد لیبرال که وظایف آن بسیار محدود می گردید و حدود آن به نظم عمومی و آزادی فردی و تامین محیط امن برای به حداکثر رساندن نفع شخصی و کار آزاد تعبیر و تفسیر می شد، طبقات مختلف در شرایط رقابت آزاد به فعالیت اقتصادی اشتغال داشتند که تعقیب چنین سیاست اقتصادی تحمیلی از نظر بار مالی بر دستگاه دولت نبود و مخارج دولت با درآمدهای عادی او ممکن می گردید. اما امروزه در بسیاری از کشورها و منجمله کشورمان دولت به عنوان یک کارفرمای بزرگ درآمده که در بسیاری

از بین رفته است، بدون آنکه بر تربیهای ناشی از ظرفیتهای خالی اقتصادی و مزیت نسبی مورد انتظار از بخش دولتی جبران آن را کرده باشد و بدین گونه فقدان هماهنگی و قاطعیت در بخش دولتی و عدم اتخاذ تصمیمات لازم، سبب گردیده تا موسسات دولتی در بسیاری از موارد در عرصه رقابت ناتوان ظاهر شوند.

با توجه به تجارب عملی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، شیوه تعاونی در قالب موسسات کوچک و بزرگ فواید و مزایای غیر قابل انکاری داشته به طوری که ابتکار و آزادی عمل را با اصل حاکمیت منافع عمومی به نحو مطلوب و معقول تلفیق کرده و راه‌حلهای مناسب و اساسی را برای بسیاری از مشکلات اقتصادی ارائه نموده است. در عین حال پیشرفت اقتصاد تعاونی به ویژه در اموری که عرفاً به عنوان قلمرو خدمات عمومی تلقی می‌شوند مانند: بهداشت، آموزش، حمل و نقل و... هزینه‌های امور را به میزان قابل توجهی تقلیل داده و بار مسؤلیت دولت را نیز کاهش داده است. به عبارت دیگر با این روش تعدیل اقتصادی به گونه‌ای آرام صورت می‌پذیرد.

اغلب گفته می‌شود دفاع از نظام سرمایه‌داری به لحاظ مزیت در آزادی دادوستد و رقابت کامل است و رقابت کامل مانع از پیدایش وضع انحصاری در فعالیتهای اقتصادی می‌شود. فراوان مشاهده شده که با وجود اصل آزادی در دادوستد در برخی از شعبه‌های اقتصادی انحصاراتی به وجود آمده‌اند که دولت‌ها ضمن تلاش برای اعاده رقابت سعی می‌نمایند که قوانین ویژه وضع نموده تا مانع انحصار شوند و این در حالی است که روش تعاونی خود وسیله‌ای مناسب برای درهم شکستن انحصارات است. این شیوه در پی به وجود آوردن منابع جدید است که با انحصار به رقابت برمی‌خیزد.

در هر حال، با استفاده از روش تعاونی می‌توان در بازار مصرف و بسیاری از رشته‌های تولیدی خدماتی، نظیر کشاورزی، تشکلهای مالی و اعتباری حمل و نقل و... بدون اقدامات سیاسی در کنترل انحصارات موثر واقع شد و از این طریق بار مالی و هزینه‌های دولت را با اقدام در رفع این معضل کاهش داد و در زمینه توزیع مجدد درآمدها، تعدیل ثروت، ایجاد اشتغال، آموزشهای حرفه‌ای و تخصصی، صرفه‌جوییهای ناشی از مقیاس و کارایی تعدیل در بودجه دولتی، مقررات‌زدایی - توسعه اقتصاد روستایی ارائه خدمات عمومی - ایجاد پس‌انداز و سرمایه‌گذاری - بالفعل کردن استعداد - کنترل و کاهش تورم از طریق حذف واسطه‌ها و دلالان - توسعه فرهنگ مطلوب مشارکت - بهبود مدیریت و بهسازی نیروی کار و... به گونه‌ای موثر و مفید می‌توان بهره‌مند شد.

هدف اصلی مقاله، یافتن ارتباط و تاثیر گذاری توسعه بخش تعاونی در تعدیل ساختاری بخش عمومی کشور است.

روش کار

روش کار توصیفی و پژوهش کتابخانه‌ای است، مروری بر ادبیات تعاونی و جایگاه اقتصادی آن و نیز اقتصاد بخش عمومی و سیر تاریخی از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران بررسی نظرات تحلیل‌گران اقتصادی، اجتماعی در خصوص نقش و کارکرد این دو بخش در برخی از کشورهای در حال توسعه و سرانجام مطالعه آثار و کارکردهای بخش تعاونی و تاثیر آن در تعدیل ساختار اقتصاد بخش عمومی کشور اساس مقاله را تشکیل می‌دهد. به علاوه برای نشان دادن اهمیت و تاثیر توسعه بخش تعاونی در تعدیل ساختار بخش عمومی کشور به جمع‌آوری آمار و اطلاعات مربوط از منابع داخلی و خارجی و تجزیه و تحلیل آنها اقدام گردیده است که به موقع و متناسب با موضوع عرضه می‌شود.

سابقه اقتصاد تعاونی

و بخش عمومی

الف - سابقه تعاونی‌ها

از گذشته‌های دور همکاری و تعاون بین مردم مناطق مختلف جهان و در فرهنگها و تمدنهای شناخته شده مثل چین، مصر، هند و ایران قدیم، اروپا و سایر مردم دنیا وجود داشته است. مطالعات پژوهشگران نشان می‌دهد که این همکاری‌ها به دوران خاصی مربوط نبوده و از گذشته‌های بسیار دور و شاید از زمانی که انسانهای اولیه برای گردآوری میوه و خوراک و شکار به صورت گروهی و حفاظت از خود در مقابل حمله حیوانات اقدام می‌نمودند وجود داشته است. با این حال، هر چه به عصر حاضر نزدیک می‌شویم، این گونه همکاری‌ها متنوع‌تر، پیچیده‌تر و سازمان یافته‌تر گشته به طوری که تجمع صنوف در برخی از کشورهای اروپایی در قرون وسطی و همکاری‌های آنها در زمینه مبادلات اطلاعات و روشهای شغلی و یا گرد هم آمدن روستاییان برای انجام کشت و زرع و دامداران به صورت مشترک، از اشکال سازمان یافته‌تر این گونه همکاریها است.

مردم ایران نیز در گذشته و حال و در موارد گوناگون برای مقابله با دشواریهای زندگی به چنین روش اقتصادی و اجتماعی و به کارگیری راه‌حلهایی که ویژه آن است نیازمند بوده و هنوز نیز هستند. شرایط اقلیمی و جغرافیایی، طبیعت خشن و قرار داشتن کشورمان در یک وضعیت خاص سیاسی و اقتصادی از طرفی و فرهنگ قومی و مذهبی از طرف دیگر، مردم ایران به ویژه روستانشینان و کوچ‌گران این سرزمین را هر چه بیشتر به هم وابسته نموده و برای مقابله همه جانبه و مناسب با دشواریهای یادشده به خصوص در زمینه تولیدات کشاورزی و دامداری و همچنین مبارزه با طبیعت دشوار و سایر عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی سیاسی به خلق و آفرینش تشکلهای بسیار متنوع و سازو کار یاری و تعاون واداشته است به گونه‌ای که اغلب این تعاونی‌ها بر پایه سنتها و فرهنگ قومی استوار گردیده و بیشتر در زمینه تولیدات کشاورزی، دامداری صورت پذیرفته است. با

توجه به این سابقه تاریخی و عرفی خبرگان قانون اساسی در اصل ۴۳ و ۴۴ بخش تعاونی را به عنوان یکی از ارکان اقتصادی ایران به حساب آورده‌اند. فلسفه‌ای که در قانون اساسی برای ایجاد تعاونی و بخش تعاونی ذکر شده شامل دو مؤلفه است:

یکی این که دولت با امکانات جامعه و حمایت‌های مادی و معنوی خود بتواند زمینه اشتغال، کار و فعالیت عامه مردم را در سرنوشت اقتصادی خودشان فراهم کند، بنابراین، اولین هدفی که در قانون اساسی ذکر گردید، ایجاد امکان اقتصادی برای همه مردم به خصوص در شکل تعاونی و در جهت مشارکت همه فعالان اقتصادی کشور است. همچنین دومین هدف پرهیز از دولت‌سالاری در امور اقتصادی و پرهیز از تمرکز ثروت در دست افرادی معدود است. به طوری که اشخاصی معدود و یا سرمایه‌داران بزرگ، صاحبان عمده منابع اقتصادی جامعه نشوند و بیشتر امکانات و منابع ثروت در دست آنها متمرکز نگردد. همچنین دولت هم در کلیه امور وارد نگردد و به یک کارفرمای بزرگ مبدل نشود. بنابراین بخش تعاونی به صورت یک بخش تعادل بخش بین بخش اقتصاد دولتی و خصوصی طراحی گردیده است.

ب- اقتصاد بخش عمومی

در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم شاهد اوج نظام سرمایه‌داری هستیم و در عین حال بروز بحرانهایی بزرگی که سیستم سرمایه‌داری را متزلزل می‌سازد.

سرمایه‌داری بر اثر یک سری رویدادها و ابزارهای جدید فنی اقتصادی که در دوره پیش از جنگ جهانی اول در آغاز از اروپا و سپس با ظهور دول مسلط جدید در خارج از قاره اروپا (ژاپن و آمریکا) ظهور می‌کنند، به اوج خود می‌رسد. به عبارت دیگر اختراعات فنی و نوآوری‌هایی که در پایان قرن نوزدهم صورت می‌پذیرد به طوری که تاثیر همه جانبه‌ای در شوون اقتصادی داشته و می‌توان از آنها به عنوان انقلاب صنعتی دوم یاد کرد. در این عصر، ابزارهای جدید اقتصادی مانند توسعه سیستم بانکی و اعتبارات و پول ثبتي و اوراق بهادار، توسعه شرکتهای سهامی بی‌نام تولید انبوه و ادغام بنگاه‌ها پدیدار شد همزمان با این ایام بحران نظام سرمایه‌داری آزاد همزمان با جنگ جهانی اول و ابتدا در قالب

انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ شوروی و انقلابهای ایتالیا و آلمان که از نظام سرمایه‌داری فقط اصل مالکیت خصوصی را حفظ می‌نمودند نضج یافت به گونه‌ای که اصل آزادی اقتصادی را به تدریج منسوخ و کنار گذاردند.

در این بنگاه‌ها که از شکل جمعی به شکل متمرکز دولتی تحول می‌یافتند، رقابت جای خود را به انحصار و شبه انحصار می‌داد و بنگاه‌های بزرگ غول آسا جایگزین بنگاه‌های کوچک می‌شدند، به نحوی که می‌توان گفت دوران سرمایه‌داری دوره‌ای مبتنی بر رقابت به نفع سرمایه‌داری مولکولی مبتنی بر واحدهای بزرگ است که سپری شده است. سازمان تولید در داخل هر کشور دیگر به ابتکار خصوصی بستگی نداشت و دولت‌ها نه تنها برای تعیین شرایط کار و برای تعیین قیمت‌ها، نرخ بهره، توزیع مواد و محصولات، در زندگی اقتصادی بیش از پیش مداخل می‌نمودند، بلکه در بسیاری از صنایع و بخش‌های کلیدی و عمده جانشین بخش خصوصی می‌شدند. بدین ترتیب سرمایه‌داری مبتنی بر اصالت فرد جای خود را به سرمایه‌داری مداخله‌گر و گاه سرمایه‌داری دولتی می‌سپارد.

ناظران جامعه‌های صنعتی سرمایه‌داری، شاهد گسترش دخالت روز افزون دولت

در امور اقتصادی‌اند اگر چه در پیش از دو جنگ جهانی دولت‌ها بیشتر وظیفه خود می‌دانستند که اصلاح کنند تا نوسازی و یا بدون آنکه قصد تدارک نظام اجتماعی جدیدی کنند، فقط به اصلاحات وضع موجود می‌پرداختند.

بعد از جنگ جهانی دوم آرمانهای دیگری نیز تعقیب شد. اما امروز دولت در همه جا حضور دارد. مالک بزرگ منابع طبیعی است، خریدار بزرگی است که شرایط خود را به بازار و فروشنده تحمیل می‌کند، بانکدار است بزرگ، کارفرمایی است بسیار مقتدر و در عین حال در تنازعات اجتماعی بین کارگر و کارفرما... داوری می‌نماید و اوضاع و احوال اقتصادی را تغییر می‌دهد و مستقیماً بر مکانیسم بازار اثر می‌گذارد. جریان‌های پولی را هدایت می‌کند، پیشرفتهای فنی و علمی را راهبری می‌نماید. فعالیت‌های اقتصادی را هدایت و هماهنگ می‌سازد. سیاست‌های

تولیدی را مشخص و طراحی واحدهای تولیدی را ارزیابی و تایید می‌کند. برنامه‌ریزی شکل نهایی مداخله‌گرانه دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است که بدان وسیله نه تنها گردش دستگاه‌های اقتصادی را موجب می‌شود، بلکه بنیان آنها را تغییر می‌دهد و نهادهای مربوط را منطبق با خواسته‌های

خود دگرگون می‌سازد.

خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی

موضوع خصوصی‌سازی و سرمایه‌داری بخش خصوصی در صنایع و خدمات دولتی اولین بار در کنفرانسی که از ۱۴-۱۱۸ اکتبر سال ۱۹۵۷ از طرف مجله زمان و زندگی بین‌المللی و انستیتوی تحقیقاتی استانفورد در شهر سانفرانسیسکو با شرکت ۶۰۰ نفر از رهبران اقتصادی و بازرگانی ۵۶ کشور از موسسات خصوصی و دولتی برگزار شد، مطرح و مورد بررسی صاحب‌نظران قرار گرفته است. شعار این کنفرانس سرمایه‌گذاری خصوصی و خصوصی‌سازی کلید پیشرفت

هدف پرهیز از دولت‌سالاری در امور اقتصادی، پرهیز از تمرکز ثروت در دست افرادی معدود است. به طوری که اشخاصی معدود و یا سرمایه‌داران بزرگ، صاحبان عمده منابع اقتصادی جامعه نشوند و بیشتر امکانات و منابع ثروت در دست آنها متمرکز نگردد.

صنایع و خدمات بین‌المللی بود، این کنفرانس راه‌هایی را که بتواند پیشرفت صنعتی و اقتصادی کشورها را سرعت بخشد مورد بررسی و تبادل نظر قرار داد.

خصوصی‌سازی از جمله سیاست‌هایی است که امروزه در اکثر کشورهای جهان در حال انجام است انگیزه خصوصی‌سازی در هر کشور با کشور دیگر متفاوت بوده و روش‌های به کار گرفته شده در فرایند خصوصی‌سازی نیز مختلف می‌باشد.

در شرایط حاضر خصوصی‌سازی به معنای فرایند انتقال مالکیت و مسؤولیت تصمیم‌گیری واحدهای دولتی به بخش خصوصی تلقی می‌گردد. از طرف دیگر موضوع به تعریف فوق ختم نشده و دیدگاه وسیع‌تری در این زمینه وجود دارد که خصوصی‌سازی را فرایندی می‌داند که نکات چهارگانه زیر را در برمی‌گیرد:

۱- انتقال مالکیت یک واحد از بخش دولتی به بخش خصوصی به صورت کلی یا جزئی.

۲- تدارک برخی از کالاها و خدمات دولتی از طریق انعقاد قرارداد با واحدهای بخش خصوصی به وسیله جایگزین کردن کارگران پیمانکار به جای کارکنان دولتی.

۳- انتقال منابع مالی مورد نیاز شرکت‌های دولتی از مالیات به هزینه‌هایی که مستقیماً توسط استفاده‌کنندگان پرداخت می‌گردد. به عبارت دیگر به جای اینکه از مصرف‌کنندگان جهت مصرف خدمات و کالاها هزینه‌ها گرفته شده مالیات دریافت شود، مستقیماً از مصرف‌کنندگان خدمات و کالاها پول دریافت نمایند.

۴- آزادسازی کامل شرکت‌های دولتی و حذف تمام محدودیت‌هایی که در مورد آنها وجود داشته است.

تعاریف خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی

واژه خصوصی‌سازی برای اولین بار در سال ۱۹۸۲ در فرهنگ لغت وبستر وارد و چنین تعریف شده است:

تغییر کنترل یا مالکیت (تجارت یا صنعت) از دولتی به خصوصی از خصوصی‌سازی تعاریف و مفاهیم متعددی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- برگرداندن بنگاه‌های ملی شده (تمامی یا درصدی از آنها) به بخش خصوصی

- آزادسازی یا انتقال کامل و کنترل قانونی بنگاه‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی است.

- مجموعه عملیات قضایی، اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر کاهش و حذف دیوانسالاری و تکنوکراسی اداری بر موسسات بخش عمومی

- هر گونه انتقال فعالیت از بخش عمومی اشاره می‌کند. به عنوان یک سیاست اقتصادی، خصوصی‌سازی بر این اندیشه پایه می‌گیرد که مالکیت و کنترل بخش خصوصی در تشخیص و تخصیص منابع کارا تر از مالکیت بخش دولتی است. فرض برای این است که واحدهای دولتی و خصوصی ساختار انگیزشی متفاوتی دارند، بنابراین عملکرد آنها از نظر کارایی متفاوت است.

اهداف واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی

ارزایی هر سیاست یا مجموعه رفتاری تنها در غالب هدف‌های تعیین شده برای آن معنی و مفهوم می‌یابد از این رو نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این است که واگذاری

با چه اهدافی می‌تواند صورت گیرد؟ در قالب یک نگاه کلی، واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی یا به اصطلاح خصوصی‌سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن در سطوح و زمینه‌های گوناگون کنترل، مالکیت یا مدیریت از بخش دولتی خارج و به بخش خصوصی سپرده می‌شود. به این ترتیب در نهایت دامنه نفوذ مستقیم دولت بر اقتصاد محدود می‌گردد و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد. از دیدگاه نظری واگذاری به این دلیل صورت می‌پذیرد که در محیط بازار و در زمانی که رقابت کامل برقرار است بخش خصوصی به گونه‌ای عمل می‌کند که بهبود فردی به بهبود جمعی جامعه می‌انجامد. این همان نکته‌ای است که آدام اسمیت از آن به نام دست‌نمائی یاد می‌کند. بنابراین، بهترین دولت، دولتی است که بگذارد مردم آزادانه به کارهای

خود برسند و کمترین میزان مداخله دولت بر امور اقتصادی

انجام پذیرد. این بینش نظری چارچوب اصلی هدف‌ها و واگذاری را تشکیل می‌دهد. با وجود این در دو دهه اخیر وقتی صحبت از کناره‌گیری دولت از فعالیت‌های اقتصادی به میان می‌آید دلایل ظاهری ناشی از فقدان کارایی مجموعه اقتصادی به عنوان

هدف نهایی واگذاری مطرح می‌گردد.

اصول و معیارهای تعدیل اقتصادی

هدف از این بررسی تبیین سیاست تعدیل ساختاری و نظرات و اثرات آن بر روند توسعه اقتصادی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه واز جمله ایران است. در دو دهه اخیر سیاست تعدیل اقتصادی به عنوان سیاست اقتصادی مطلوب در برخی از کشورهای در حال توسعه در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به اجرا درآمده است و به عنوان شرط اساسی اعطای وام به کشورهای وام‌خواه از طرف بانک جهانی تشویق

از دیدگاه نظری و واگذاری به این دلیل صورت می‌پذیرد که در محیط بازار و در زمانی که رقابت کامل برقرار است بخش خصوصی به گونه‌ای عمل می‌کند که بهبود فردی به بهبود جمعی جامعه می‌انجامد.

گردیده است. مبانی نظری و اصول سیاست تعدیل ساختاری به گونه‌ای متعارف عبارتند از:

- ۱- خصوصی سازی
 - ۲- آزادسازی تجاری و سیاست تشویق صادرات
 - ۳ آزادسازی بازار و کاهش ارزش پول ملی
 - ۴- آزادسازی سایر بازارهای داخلی و تبیین قیمت توسط نیروهای بازار
 - ۵- مقررات زدایی
 - ۶- تعدیل در بودجه دولتی
 - ۷- تعدیل در تراز پرداختها
- باید اشاره کرد که در اواخر دهه ۱۹۷۰ به امید دستیابی به توسعه اقتصادی زیر عنوان برنامه تعدیل ساختاری برای بسیاری از کشورها و چندسالی است که کشور ما را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است.

تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی در برنامه اول توسعه اقتصادی کشور

دولتی کردن و ملی کردن فعالیتهای اقتصادی: چنان که در مقدمه این مقاله اشاره شد بحران اقتصادی سالهای ۳۳-۱۹۲۹ نظریات اقتصاددان کلاسیک را سست کرد و تئوریهای مداخله دولت در امور اقتصادی را باز نمود که با نغمه نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول جان مینارد کینز اقتصاددان مشهور راه مداخله هر چه بیشتر دولت در فعالیتهای اقتصادی گشوده شد.

اقتصاد ایران که همواره یک اقتصاد مختلط است تا سال ۱۲۷۹ با نقش بازار دولت در اقتصاد کشور و با فروش امتیازاتی به موسسات خارجی محدود می شود. در آغاز قرن بیستم صنایع کارخانه‌ای بزرگ در ایران وجود نداشته و در فاصله سالهای ۱۳۰۴-۱۲۷۹ هشت کارخانه جدید تاسیس می گردد و از سال ۱۳۰۸ تعداد این کارخانه‌ها افزایش می یابد بسیاری از کارخانه‌هایی که در دهه ۱۳۱۰ ایجاد شدند دولتی بوده و نقش مسلط بخش خصوصی و تعاونی در دوره ۱۳۴۴-۱۳۲۵ آغاز می شود.

طی این سالها و بعد از آن با افزایش بهای نفت این نقش نیز افزایش می یابد تا جایی که با آغاز جنگ تحمیلی دخالت دولت در امور اقتصادی بیش از پیش افزایش یافت. اولین نتیجه چنین اقداماتی حذف رقابت و کاهش کارایی اقتصادی بوده است و از آنجایی که هدف فعالیت بخش خصوصی به حداکثر رساندن سود و هدف بخش تعاونی رفع نیاز مشترک و دریافت نتیجه مشترک اعضا و توسعه اشتغال است و واحدهای دولتی هدفهای چندگانه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تعقیب می نمایند، کاهش کارایی با افزایش بار مالی دولت، مشکل کسر بودجه و بدهیهای خارجی را به وجود می آورد که تجدید نظر در سیاست مالی دولت، تجدید نظر در مورد نقش دولت و به عبارت بهتر تعدیل اقتصادی را الزام می بخشد.

به طور خلاصه علت خصوصی سازی در ایران را می توانیم به شرح زیر برشماریم:

- ۱- فشار مالی - بدهی داخلی و خارجی دولت
- ۲- عملکرد ضعیف و بزرگ شدن دولت و موسسات دولتی
- ۳- کارآمد بودن بخش خصوصی و تعاونی‌های مردمی و اتکا کمتر این بخش‌ها

به دولت

بر اساس قانون اول برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به غیر از صنایع مادر هدف از واگذاری فعالیت بخش دولتی به بخش خصوصی به شرح زیر است.

- ۱- ارتقای کارایی
- ۲- کاهش تصدی گری دولت در فعالیتهای اقتصادی و خدماتی و غیر ضروری
- ۳- ایجاد تعادل اقتصادی
- ۴- استفاده بهیبه از ظرفیتهای اقتصادی و امکانات کشور

۵- به طور ضمنی کاهش بار مالی دولت

روشهای تعدیل و خصوصی سازی

واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی به اشکال زیر صورت پذیرفته است

- ۱- فروش مستقیم - فروش کل شرکت

- یا قیمت توافق شده به بخش خصوصی
- ۲- واگذاری به کارکنان
 - ۳- واگذاری به گروه مدیران
 - ۴- مزایده
 - ۵- واگذاری از طریق عرضه سهام در بازار بورس اوراق بهادار
 - ۶- واگذاری به افراد به طور

مجانی یا با قیمت بسیار نازل
 بررسی‌های به عمل آمده در دوره ۱۳۷۱-۱۳۶۸ نشان می دهد که در چهار سال اول برنامه از نظر تعداد و مبلغ سهام عرضه شده دولتی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ روند صعودی داشته و از آن پس روند نزولی می بینیم و در سال ۱۳۷۱ به طور خالص موسسات دولتی ۳۰/۹ میلیارد ریال از بازار بورس خریداری کرده‌اند یعنی انتقال مالکیت به بخش خصوصی معکوس گردیده است و به انتقال مالکیت از بخش خصوصی به بخش دولتی تبدیل گردیده است.

مشکلات و موانع خصوصی سازی در ایران

مشکلات و موانع زیادی بر سر راه خصوصی

سازی در ایران وجود دارد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- فقدان و ضعف فرهنگ و اقتصاد آزاد
- ۲- فقدان مدیران توانا در بخش خصوصی
- ۳- فقدان سرمایه‌گذاری و یا سرمایه‌گذاری اندک از طرف بخش خصوصی
- ۴- مقاومت گروه‌هایی که از خصوصی‌سازی آسیب می‌بینند
- ۵- نبود چارچوب و ضوابط قانونی منسجم برای هدایت فعالیتهای اقتصادی
- ۶- موانع ناشی از دیوانسالاری و بوروکراسی
- ۷- عدم آمادگی بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و زیر بناهای اقتصادی
- ۸- تمرکز سیاستهای گذشته دولت در جهت ملی کردن واحدهای اقتصادی
- ۹- جنگ تحمیلی که باعث تاکید بیشتر دولت بر ملی کردن شده است.

مرکزی تبدیل به منبعی برای افزایش پایه پولی و در نهایت افزایش حجم نقدینگی می‌شود. در مجموع به رغم آن که یکی از سیاستهای محوری دولت به صفر رساندن استقراض دولت از بانک مرکزی تا پایان برنامه اول توسعه بوده است به دلیل عدم تبیین سیاستهای حمایتی در کنار سیاستهای تعدیل و نیز به دلیل عدم اتکا به یک برنامه مدون با پیش‌بینی همه آثار جانبی پولی و مالی، استقراض دولت از بانک مرکزی با روندی فزاینده و کاهش ارزش پول ملی نقش مؤثر خود را در افزایش حجم پول ایفا نمودند.

برنامه دوم توسعه

از وجوه تمایز برنامه دوم با برنامه اول تاکید بر امر ثبات اقتصادی بوده است. عناصر اصلی که برای سیاستهای ثبات اقتصادی در برنامه دوم مطرح نظر بوده است عبارتند از:

- تاکید بر مدیریت کلان اقتصادی مشتمل بر کنترل مؤثر جریانهای مالی و تنظیم آن در قالب بودجه‌های متعادل و تنظیم حجم پول در حدی که فشارهای تورمی را کاهش دهد این مهمترین وجه هر گونه سیاست ثبات اقتصادی است.

- توجه بیشتر به سازماندگی بازارهای مختلف شامل حذف انحصارها و ایجاد فرصت‌های برابر برای فعالیتهای اقتصادی همراه با ایجاد بازارهای جدید برای کالا، سرمایه و مانند آن افزایش کارایی در استفاده از منابع عمومی در سطح کلی این وجه نیز برای ایجاد نظم و انضباط مالی و صرفه جویی هادر استفاده از منابع عمومی در سطح مؤسسات دولتی و وابسته به دولت تاکید شده است.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- توجه بیشتر به سازماندگی بازارهای مختلف شامل حذف انحصارها و ایجاد فرصت‌های برابر برای فعالیتهای اقتصادی همراه با ایجاد بازارهای جدید برای کالا، سرمایه و مانند آن افزایش کارایی در استفاده از منابع عمومی در سطح کلی این وجه نیز برای ایجاد نظم و انضباط مالی و صرفه جویی هادر استفاده از منابع عمومی در سطح مؤسسات دولتی و وابسته به دولت تاکید شده است.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

- تغییر در ساختار اداری دستگاهها و مؤسسات دولتی در جهت کاهش اندازه بخش دولت و افزایش کارایی دستگاههای باقی مانده از بخش عمومی.

اهداف کلی برنامه اول و دوم توسعه

اقتصادی - اجتماعی کشور

الف - برنامه اول توسعه

اهداف عمده برنامه اول در اطراف چند محور اساسی شکل گرفته است در درجه اول توجه به بازسازی و راه اندازی چرخه تولید، توسعه خدمات اجتماعی دولت و رفع عدم تعادل‌های عمده در توزیع امکانات بین مناطق و اقشار جامعه معطوف بوده است.

در این مورد توجه به افزایش نقش مردم در فعالیت اقتصادی و ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی - اتکا به مکانیزم قیمت و بازار، مقررات زدایی و کاهش ابعاد ورود بخش دولتی به فعالیتهای مردمی و تغییر در شیوه‌ها و تشکیلات اداری از نکات مورد توجه در برنامه اول بوده است. فعالیتهای پیش بینی شده برنامه اول در چار چوب یک خط مشی مالی متناسب با نیازهای بازسازی و سازندگی در جهت ایجاد بودجه متعادل و تامین درآمد از طریق مالیات، افزایش عوارض و تعدیل نرخهای خدمات مختلف پیش بینی شده بود.

برنامه اول توسعه ۷۲-۱۳۶۸ به طور کلی مبتنی بر اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری در جامعه بوده است. در این خصوص نظر بر آن بود

که در مرحله اول، آزادسازی در بخشهای زیر بنایی بپردازد. اما مشکل آن بوده که از یک سوی، انجام سرمایه‌گذاریهای ضروری در این بخشها و به ویژه در فصول نفت و برق و گاز، غیر قابل تعویق بوده و از سوی دیگر از آنجا که از سال ۱۳۶۵، این بخشها از بودجه عمومی کشور جدا شده‌اند امکان نداشت که از منابع بودجه‌ای برای این مورد مصرف شود. آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد آن است که به جای افزایش قیمت‌های برق و نیز فرآورده‌های نفتی و تامین منابع مالی از این طریق، در کنار رقم کسری بودجه که طی سالهای برنامه اول سیر نزولی طی می‌نماید، رقم دیگری تحت عنوان استقراض شرکتهای دولتی باعث افزایش حجم نقدینگی و قیمت‌ها می‌گردد که با سیاست کاهش ارزش پول ملی، هر دو در تعارض با سیاست کلی مهار تورم قرار داشتند. در طی این برنامه تعهدات و بدهیهای خارجی زیادی به وجود آمده که بخش عمده‌ای از تعهدات ارزی ایجاد شده در طی سال ۱۳۷۲ سررسید گردیده است. باز پرداخت بدهی‌های فوق نیز به همراه کاهش قیمت نفت موجب افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در قالب حساب ذخیره تعهدات می‌گردد. این مورد هم در عمل به صورت استقراض از بانک

ادامه دارد...